

واقعاً فکس اختراعی فوق‌العاده است. برای آنهایی که هنوز نمی‌دانند فکس چیست: نامه‌ای را وارد دستگاه می‌کنیم، شماره مخاطبمان را می‌گیریم و پس از چند ثانیه او نامه را دریافت خواهد کرد. با این وسیله می‌توان نقاشی، نقشه و عکس و یا صفحات محاسباتی را که غیرممکن است از پشت تلفن دیکته کرد، ارسال نمود. ارسال نامه به استرالیا هزینه‌ای معادل هزینه تلفن میان قاره‌ای، برای طول مدت استفاده خواهد داشت. هزینه ارسال نامه‌ای از میلان به وارز نیز به همانگونه ولی طبق تعرفه بین شهری اکتساب می‌شود. به عنوان مثال شبها هزینه تلفن به پاریس هزار لیر است. در کشوری مثل ایتالیا که پست کارایی چندانی ندارد، فکس چاره همه مشکلات است. دستگاههای فکس خصوصی را می‌توان با قیمت‌های معقولی پیدا کرد که بین پنجاه تا ده هزار فرانک باشد. البته برای یک سرگرمی قیمت گزافی است ولیکن اگر شغلی داشته باشید که ایجاب می‌کند با مخاطبین متعددی در تماس باشید، این قیمت، قیمت کمی هم هست. اما متأسفانه، تکنولوژی پیرو قانون بیرحمی است. از آن لحظه که اکتشافی همگانی شود، دیگر قابل دسترس نخواهد بود. تکنولوژی ذاتاً دموکرات است، چرا که به همه سرویس یکسان نمی‌دهد. با اینحال فقط زمانی کار می‌کند که صرفاً ثروتمندان از آن استفاده کنند و زمانی که تهیدستان نیز می‌خواهند از تکنولوژی بهره‌مند شوند، دستگاه

از کار می افتد. ترن در دو ساعت نقطه A را به نقطه B متصل می کرد.

ماشین می رسد و این راه را یک ساعته طی می کند. به همین خاطر هم گران است. سپس قیمتش ارزان می شود و جمعیت جاده ها را پر می کند، ترن بار دیگر سریع تر می شود. فکر کنید چقدر احمقانه و عجیب است که در زمانه اتومبیل، مردم را به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی تشویق کنند. ولی حقیقت اینجاست: اگر قبول کنیم که جزو خواص نیستیم، با مترو یا اتوبوس زودتر از آنها به مقصد می رسیم.

در مورد اتومبیل، دهها سال طول کشید تا به نقطه حساس برسیم. اما فکس دموکرات تر است - به گرانی اتومبیل نیست - در کمتر از یکسال ظرفیتش تکمیل شده و از این پس بهتر است نامه هایمان را با پست ارسال کنیم. قبلاً اگر شما در «ریمینی» زندگی می کردید و پسری در «سیدنی» داشتید یکبار در ماه برایش نامه می فرستادید و هفته ای یک بار تلفنی با او صحبت می کردید. امروز با فکس می توانید در لحظه آخر، عکس آخرین نوزادتان را برایش بفرستید. چطور می توان در مقابل چنین وسوسه ای مقاومت کرد. بعلاوه امروزه زمین مملو از اشخاصی است که مایلند اطلاعاتی به ما بدهند که پیشیزی ارزش ندارد: چطور به بهترین نحو سرمایه گذاری کنیم، چطور با ارسال چکی به نامشان، خوشبختی خودمان را تضمین کنیم، چطور یک آشپزخانه خریداری کنیم، چطور کاملاً از قدرتمان استفاده کنیم و... از لحظه ای که می فهمند شما فکس دارید - متأسفانه شماره ها در دفتر تلفن وجود دارد - همه این اشخاص در رقابت خواهند بود تا شما را با هزینه های ناچیز غرق در پیامهای ناخواسته کنند.

نتیجه: صبح ها دستگاه پر است از فکس های شب قبل و بالطبع بدون آنکه آنها را بخوانید بدور می اندازید. اما، اگر در همان لحظات، خوشاوندی بخواهد به شما اطلاع دهد که ده میلیارد از عموی خود در آمریکا به شما ارث رسیده، به شرط آنکه تا قبل از رسیدن ساعت هشت در محضر باشید، موفق به تماس با شما نخواهد شد. چون خطتان مشغول بوده است! اگر کسی می خواهد با شما تماس بگیرد، بهتر است از پست استفاده کند. فکس به مرور به وسیله ای برای پیامهای بی فایده تبدیل می شود، همانطور که اتومبیل سمبل رفت و آمدهای آهسته شده است و برای اشخاصی که وقت اضافی جهت تلف کردن دارند و برایشان مهم نیست اگر ساعتها در حین گوش دادن مونتسارت یا... در ترافیک گیر کنند، مناسب است.

بالاخره، باید متذکر شد که فکس عامل جدیدی را در مکانیسم مزاحمت بوجود آورده است. تا به حال اگر شخصی در صدد آزارتان بود، باید از جیب خود خرج می کرد

(هزینه تلفن، تمبر و یا تاکسی که می‌گرفت تا بیاید و زنگ در را بزند) اما امروز، شما نیز در هزینه‌ها شریکید، چون پول کاغذ فکس را شما باید بدهید.

خوب چه می‌شود کرد؟ فکر کرده بودم، سر کاغذی به شرح زیر چاپ کنم: «هر فکس ناخواسته‌ای، معلوم خواهد شد» متأسفانه کافی نیست. یک پیشنهاد خوب اینکه: دستگاه فکس خود را از برق بکشید تا اگر نامه‌ای می‌خواهند برایتان ارسال کنند، به شما زنگ بزنند و بعد فکستان را روشن کنید. اما اینطور هم خط تلفن‌تان اشغال خواهد شد! پس بهتر است فرستنده فکس شما را بوسیله نامه خبر کند و شما به او پاسخ دهید «فکست را روز دوشنبه ساعت پنج و پنج دقیقه و بیست و هفت ثانیه به وقت «گرینویچ» ارسال کن. من دستگاهم را تنها برای چهار دقیقه و سی و شش ثانیه روشن خواهم کرد!»



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی